



ولایت حضرت زهرا(س) پنهان مانده است/ حضرت فاطمه(س)، مظلوم تاریخ

رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران گفت: حضرت زهرا(س) واقعاً مظلوم تاریخ است و ولایت او پنهان مانده است. اسلام قوت و رونق نمی گیرد مگر با توجه به ولایت اهل بیت(ع) چون ولایت درجه اعلای ایمان است.

رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران گفت: حضرت زهرا(س) واقعاً مظلوم تاریخ است و ولایت او پنهان مانده است. اسلام قوت و رونق نمی گیرد مگر با توجه به ولایت اهل بیت(ع) چون ولایت درجه اعلای ایمان است.

به گزارش خبرنگار مهر، حضرت فاطمه زهرا(س) سیده نساء العالمین است و دارای جایگاه خاصی در نزد حضرت رسول(ص) بودند. این جایگاه تنها از برای این نبود که ایشان دختر پیامبر(ص) بودند بلکه علاوه بر این حضرت زهرا(س) همسر ولایت و مادر امامت هستند که هر کدام از این صفات بیانگر شخصیت بالای این بانوی بزرگوار اسلام است. شناخت شخصیت این بانوی فداکار اسلام که جان خود را در راه ولایت و برای منحرف نشدن اسلام فدا کرد، از طریق آیات و روایات بهترین راه برای درک شأن و منزلت این بانوی بزرگوار است.

به مناسبت فرارسیدن ایام فاطمیه (اول) به منظور بررسی و معرفی شخصیت بانوی دو عالم به گفت و گو با دکتر غلامرضا اعوانی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی و رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران و رئیس انجمن بین المللی فلسفه اسلامی پرداخته ایم:

*حضرت فاطمه زهرا(س) از نظر شأن و جایگاه در نزد حضرت رسول(ص) و در روایات چگونه معرفی شده اند؟

شأن معنوی و الهی حضرت فاطمه زهرا(س) بر بیشتر مسلمانان مجهول است. آحادی از مسلمانان هستند که به این مسئله توجه دارند که حضرت زهرا(س) عندالله چه مقام والایی دارند. ایشان بسیار مورد توجه حضرت رسول(ص) هستند. حضرت وقتی می خواستند به سفر بروند آخرین شخصی که با او خداحافظی می کردند حضرت زهرا(س) بودند که به منزل ایشان می رفتند و از ایشان خداحافظی می کردند. وقتی هم که از سفر بر می گشتند اول به خانه حضرت فاطمه(س) می رفتند و دست ایشان را می بوسیدند. این کارها بسیار معنا و مفهوم دارد. حضرت رسول(ص) با آن مقام، دست حضرت فاطمه(س) را می بوسید و با دیدن ایشان از جای خود بلند می شدند.

حضرت رسول(ص) به چند مناسبت و در چند جا فرمودند: «فاطمه بضعة منی ...»؛ یعنی فاطمه جگرگوشه و جگرپاره من است. هر کس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است. روایات بسیار زیادی در مورد شخصیت حضرت زهرا وجود دارد.

*سوره کوثر و آیات زیادی مانند آیه تطهیر، مباحله، سوره انسان و ... در شأن و مقام اهل بیت(ع) نازل شده است، یکی از مهمترین آیات، آیات مباحله است که در آنجا به ویژگیهای بارز حضرت توجه شده است.

بله! همان طور که گفتید آیات زیادی در مورد شخصیت اهل بیت(ع) و حضرت زهرا(س) نازل شده است. در آیه مباحله آمده است: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»، «تَعَالَوْا» از «عُلُو» می آید به معنای علو و بالایی است یعنی قدری خودتان را بالا بکشید و ببینید دارید چه کار می کنید. معمولاً کسانی که بالا هستند به کسانی که پایین هستند می گویند «تَعَالَوْا» یعنی بیائید بالا. «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا»، حضرت رسول(ص) که پسر نداشته است، منظور از «أَبْنَاءَنَا»، حسنین(ع) بودند که در واقعه مباحله همراه پیامبر(ص) آمده بودند. «وَنِسَاءَنَا» که منظور حضرت فاطمه زهرا(س) است. «وَأَنْفُسَنَا» فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِّنْ تَقْسٍ وَاحِدَةٍ» من و علی از یک نفس هستیم. اینها تعبیر مهمی است. دنیای امروز اسلام به اینها نیاز دارد. «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»، حضرت(ص) رسول یک نفس بوده، پس چه کسی برابر با نفس اوست؟ همان که فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِّنْ تَقْسٍ وَاحِدَةٍ»

همچنین در حدیث شریف کساء آمده است که حضرت رسول(ص)، اهل کساء را جمع کرد و حدیث کساء که بسیار معروف و دارای مقامات و مفاهیم بالایی است در مقام اهل بیت(ع) روایت شده است.

*در حدیثی از امام حسن عسکری(ع) آمده «نحن حجج الله على خلقه و جدتنا فاطمة حجة الله علينا»، با توجه به این حدیث جایگاه و مقام حضرت فاطمه زهرا(س) چگونه تبیین شده است؟

مسئله شناخت شخصیت و مقام حضرت فاطمه زهرا(س) به مسأله بسیار مهمی بر می گردد که توجه کافی و شایسته به آن نشده است. صورتش هست اما باید به باطن و معنای آن بیشتر پرداخته شود که آن مسأله ولایت است. اولیاء الله در قرآن بسیار آمده است عده ای از مسلمانان به این مسئله کمتر توجه کردند. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آیات بسیاری در مورد ویژگیهای اولیاء الله هست؛ یک آیه همین آیه هست که خواندم. هر کسی ولی خدا نیست. فرمود اولیاء خداوند کسانی هستند که «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» اولیاء الله کسانی هستند که شیطان نمی تواند در آنها تصرف کند، آنها معصوم هستند.

باطن دین ولایت الهی است. ولایت الله است. ولایت حقیقه الهیه ولایتی که ما حضرت علی(ع) و ائمه(ع) را به آن می شناسیم. ولایت، باطن همه ادیان است و اگر برداشته شود دین فاسد می شود؛ چنانچه می بینیم در ادیان دیگر خاصه در ادیان

ابراهیمی، یهود و مسیحیت، ولایت رفت و به چیز دیگری تبدیل شد. بنابراین ما باید ببینیم که ولایت الهیه چیست که باطن همه ادیان است و حضرت فاطمه(س) چه مقامی دارد.

چهارده معصوم، لب ولایت هستند. حضرت رسول(ص) خاتم نبوت و خاتم ولایت است، منتها ظهور او به رسالت است نه به ولایت، ولی باطن ولایت را دارند، همان طور که حکمای الهی در این باره بحثهای کافی و وافیه و شافی کردند که لا مزید علیه و ما باید این بحثها را بخوانیم. باطن رسالت و نبوت، ولایت است. اگر ولایت را برداریم اصلاً نبوتی باقی نمی ماند. اگر ولایت را برداریم اصلاً رسولی باقی نمی ماند. جنبه لدالهی و لدالحقی ولایت که رو به سوی حق دارد و انسان را به حق و خداوند می رساند منظورم هست نه جنبه لدالخلق. امروزه بیشتر به جنبه لدالخلق ولایت توجه دارند. درست است که ولایت جنبه لدالخلق دارد ولی اصل آن جنبه لدالحقی است و اگر جنبه لدالحقی را برداریم اصلاً نبوتی باقی نمی ماند. اگر ولایت را برداریم نبوت و رسالتی باقی نمی ماند، پس ولایت باطن همه ادیان است.

ولایت، باطن همه ادیان است و اگر برداشته شود دین فاسد می شود؛ چنانچه می بینیم در ادیان دیگر خاصه در ادیان ابراهیمی، یهود و مسیحیت، ولایت رفت و به چیز دیگری تبدیل شد. بنابراین ما باید ببینیم که ولایت الهیه چیست که باطن همه ادیان است و حضرت فاطمه(س) چه مقامی دارد

حضرت فاطمه(س) دارای ولایت مطلقه الهیه هستند. ما باید واقعاً ولایت را از دید یدالالحقی توجه کنیم که جنبه حقی دارد. این خیلی اهمیت دارد. عالم اسلام درست نمی شود، مگر اینکه رابطه خودش را با ولایت لدالحقی که هم جنبه لدالخلق دارد و هم جنبه لدالحقی دارد، درست کند. اگر ولایت لدالحقی برود، دین از بین می رود. امروزه گرایشهایی در جهان اسلام پدید آمده است که توجه صرف به ظاهر است و ولایت در آنها راهی ندارد. حضرت زهرا(س) پدری مانند حضرت رسول(ص) و زوجی مانند حضرت علی(ع) داشتند. بسیاری از اصحاب، حضرت را از پیامبر(ص) خواستگاری کردند ولی حضرت قبول نکرد، ولی وقتی حضرت علی(ع) خواستگاری کردند حضرت قبول کردند و این در حقیقت یک تزویج الهی بود.

*بعد از رحلت حضرت رسول(ص) چه کسی وارث این ولایت است؟

تنها اولیاء الله می توانند چنین ادعایی کنند که همان اهل بیت(ع) هستند. البته مؤمنان به طور عام. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» به طور عام کسی که مؤمن است از ولایت بهره مند می شود. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». «الولی» اسمی از اسمای الهی است. رسول اسم خداوند نیست، خداوند، رسول نیست. نبی هم اسم خدا نیست. خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الْوَلِيُّ»، او ولی است. الولی یعنی ولایت تامه از آن خداست. اهل بیت(ع) و چهارده معصوم(ع) ظهور ولایت الهیه هستند. با حضرت رسول(ص) رسالت به تمام می رسد ولی عهد ولایت و وصایت آغاز می شود و این تجلی او در امامت به معنای اصلی کلمه است که باطن امامت، ولایت است، یعنی اگر ولایت الهیه را برداریم، امام هم باقی نمی ماند.

حضرت رسول(ص) اصلاً قرآن بودند. «كان خلقه القرآن». خلق او همه قرآن بود؛ یعنی اگر کسی می خواست قرآن ناطق را ببیند تجسم و تحقق آن را در حضرت رسول(ص) می دید و بعد از او در ائمه(ع) است؛ یعنی تمامی قرآن و قرآن ناطق بودند و هیچ کسی به غیر از آنها نمی تواند ادعا کند که قرآن ناطق است و الان مسئله ای که در عالم اسلام دیده می شود اسلام منهای ولایت الهیه است. ولایت لدالحقی خالی مانده اگر این گونه باشد دین از بین می رود، چنانچه ادیان دیگر رفتند و این مسأله در جهان ما بسیار مهم است.

*برخی ها زنان را دارای مقامی پایین تر از مردان می دانند و برای همین می گویند زنان نمی توانند به مقام بالایی برسند اما شخصیتی چون حضرت زهرا به چنین جایگاهی در عالم خلقت می رسد.

فقط مردان ولایت ندارند. زنان همانند مردها می توانند بهره مند از ولایت باشند، چنانکه در ایمان این گونه است. چنانچه مقام حضرت زهرا(س) کمتر از هیچ امام دیگری نیست و از او، ائمه معصومین(ع) به دنیا آمدند. ببینید حضرت چقدر مقام دارند که این چنین شد. حضرت علی(ع) زنان دیگری داشت ولی از زنان دیگر ائمه(ع) به دنیا نیامدند، ائمه از سلاله حضرت زهرا(س) هستند. برای اینکه به مقام حضرت زهرا(س) پی ببریم، باید توجه کنیم که ایشان نیز تمام قرآن و تجسم قرآن بودند و این را از حضرت رسول(ص) به ارث برده بودند. دوم اینکه ما باید به مقام زن در قرآن بیشتر توجه کنیم. یک نمونه آن حضرت مریم(س) است. در قرآن حضرت سیده نساء العالمین خوانده شده است. ۲ بانو هستند که در قرآن بسیار تمجید شدند؛ برتر از همه حضرت مریم(س) است که نام ایشان در قرآن برده شده است و دو سوره در قرآن به ایشان و زندگی ایشان اختصاص داده شده است؛ یکی سوره حضرت مریم و دیگری سوره آل عمران.

زنان همانند مردها می توانند بهره مند از ولایت باشند، چنانکه در ایمان این گونه است چنانچه مقام حضرت زهرا(س) کمتر از هیچ امام دیگری نیست و از او، ائمه معصومین(ع) به دنیا آمدند

خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ». در سوره آل عمران وقتی در مورد آل عمران حرف می زند داستان حضرت مریم(ع) را بیان می کند. هیچ پیامبری در قرآن وجود ندارد که دو سوره در مورد او باشد. هم سوره ای به اسم حضرت مریم(ع) است و هم در سوره آل عمران درباره او سخن گفته شده است. این مقام و بالاتر از آن را در اسلام، حضرت زهرا(ع) دارد. عرفای ما آنچنان که بایسته و شایسته بوده به حضرت مریم(ع) نیز توجه نکردند. به حضرت عیسی(ع) توجه کردند اما درباره حضرت مریم(ع) سکوت کردند. همان مقامی که حضرت مریم داشته و دارد و شاید بالاتر از آن را حضرت زهرا(س) دارد. مقام حضرت مریم(س) در قرآن بسیار بالاست. بشریت

از لحاظ معنوی نجات پیدا نمی کند، مگر اینکه این دو بانوی محترم یعنی حضرت مریم(ع) و حضرت زهرا(س) دوباره به هم برسند. ما مسلمانها حضرت زهرا(س) را فراموش کردیم. باید به بازشناسی شخصیت حضرت زهرا(س) برگردیم که همیشه، مظلوم تاریخ بوده؛ خصوصاً از زمان وفات حضرت رسول(ص) تا وفات خودشان.

در بستر بیماری و چند روز قبل از رحلت، حضرت رسول(ص) چیزی در گوش حضرت زهرا(س) گفتند. حضرت گریه کرد و باز پیامبر چیز دیگری در گوش او خواند و حضرت خندید. عایشه سؤال کرد. حضرت زهرا فرمود: که پیامبر(ص) فرمودند من به زودی از دنیا خواهم رفت، من گریه کردم بعد در گوش من گفتند: اولین کسی که به من می پیوندد تو هستی و همین اتفاق افتاد و از خاندان پیامبر(ص) اولین کسی که به فاصله بسیار کمی از دنیا رفت ایشان بود. حضرت زهرا(س) واقعاً مظلوم تاریخ است و ولایت او پنهان مانده است. اسلام قوت و رونق نمی گیرد؛ مگر با توجه به ولایت اهل بیت(ع) چون ولایت درجه اعلاّی ایمان است.

ما مسلمانها حضرت زهرا(س) را فراموش کردیم. باید به بازشناسی شخصیت حضرت زهرا(س) برگردیم که همیشه، مظلوم تاریخ بوده؛ خصوصاً از زمان وفات حضرت رسول(ص) تا وفات خودشان

***در سوره انسان نیز به مقام احسان اهل بیت(ع) و خانواده حضرت زهرا(س) اشاره شده است، چگونه می توان شخصیت حضرت را با توجه به آیات این سوره شناخت؟**

در قرآن، سه واژه مهم اسلام، ایمان و احسان داریم. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» این آیه اشاره به اعراب بدوی دارد که بسیار بی نزاکت بودند. که ایمان، بالاتر از اسلام است، اما بالاتر از ایمان و درجات عالی ایمان، احسان است. در قرآن اشاره بسیار به احسان اشاره شده است. احسان تنها کار نیکو کردن نیست درجه ای است فوق ایمان، «الاحسان أن تعبد الله كأنك تراه، فان لم تكن تراه فاتّه يراك»

احسان حضور در برابر حق است. باید دائماً خدا را طوری عبادت کرد که انگار او را می بینیم. اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. مقام احسان، همیشه در حضور خدا بودن است. «لم اعبد ربا لم اراه» من هیچ وقت خدایی را که به دلم ندیده باشم، عبادت نمی کنم. این مقام، مقام ولایت و مقام اعلاّی احسان است. بنابراین ولی الله درجاتی دارد. اولیای مطلق که ائمه(ع) باشند به بالاترین درجه ایمان رسیده اند و به نور الهی همه چیز را می بینند، چنان چه حضرت علی فرمود: «ما رأيت شيئاً الا و رأيت الله قبله و بعده و معه و فيه: هیچ چیزی ندیدم مگر اینکه خداوند را قبل آن و با آن و بعد از آن دیدم.

ایمان، بالاتر از اسلام است، اما بالاتر از ایمان و درجات عالی ایمان، احسان است. در قرآن اشاره بسیار به احسان اشاره شده است؛ احسان تنها کار نیکو کردن نیست درجه ای است فوق ایمان، «الاحسان أن تعبد الله كأنك تراه، فان لم تكن تراه فاتّه يراك»

حضرت فاطمه(س) واقعاً کمال ولایت و صاحب ولایت مطلقه است. حضرت، قرآن مجسم و ناطق به کلام الله است. قرآن ناطق است. شأن و مقام بالایی دارد و عالم اسلام اگر می خواهد اسلامی بماند باید به این مسائل توجه کند. مخصوصاً به ائمه معصومین(ع) که سلاله پاک حضرت زهرا(س) و حاصل دعای حضرت ابراهیم(ع) هستند که حضرت ابراهیم(ع) درباره ذریه خودش دعا می کرد چنانچه در سوره بقره آمده است که «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً»

چنانچه در سوره بقره آمده است: «وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» حضرت ابراهیم(ع) همیشه در مورد ذریه خود دعا می کرد، چنانچه در سوره بقره آمده است. این ذریه که در دعای حضرت ابراهیم(ع) در بقره و در آیات دیگر قرآن آمده است، ائمه(ع) هستند.

***در کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، شخصیت حضرت زهرا(س) چگونه معرفی شده است؟**

وجود مبارک آنها در تورات هم پیش بینی شده است. در اول کتاب اول در سفر تکوین داستان حضرت ابراهیم(ع) و حضرت هاجر(س) است که در قرآن آمده است. آمده که بعد از ناراحتی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت هاجر(س)، وحی آمد که من نسل او را به تعداد ستارگان آسمان می کنم و از ذریه او ۱۲ پادشاه خواهد آمد که به نظرم اشاره به ۱۲ معصوم از فرزندان حضرت علی(ع) و فاطمه(س) دارد. همچنین به حضرت هاجر(س) در مکه هم در مورد ذریه حضرت اسماعیل(ع) الهاماتی شده بود که در این کتاب آمده است. نام پنج تن در کتاب انجیل هم آمده است.

حضرت فاطمه(س) واقعاً کمال ولایت و صاحب ولایت و قرآن مجسم و ناطق به کلام الله است و عالم اسلام اگر می خواهد اسلامی بماند باید به ائمه معصومین(ع) که سلاله پاک حضرت زهرا(س) و حاصل دعای حضرت ابراهیم(ع) هستند توجه کند

***به غیر از آیاتی که در مورد اهل بیت(ع) و حضرت زهرا(س) نازل شده در تفسیر عرفانی نیز آیاتی مانند مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ را به شخصیت اهل بیت(ع) و حضرت تفسیر می کنند؟**

بله! این آیه اشاره به دو دریای ولایت علوی و فاطمی دارد که به هم آمیختند و فرزندانی مانند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) متولد شدند که حضرت رسول(ص) در مورد آنها فرمود: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا» این دو پسر امام و پیشوا هستند، بنشینند یا برخیزند. ایستاده و نشسته امام هستند؛ یعنی امامتشان چه ظاهر شود چه ظاهر نشود، امام هستند. یک نکته را نباید فراموش کنیم و آن اینکه اگر ائمه(ع) به مقام امامت ظاهری رسیدند یا نرسیدند امامت باطنی آنها هیچ وقت زایل نمی شود. حضرت علی(ع) وصی رسول الله(ص) است. اگر به خلافت انتخاب می شد یا نمی شد شأن الهی او در ولایت محفوظ است. عندالله، ازلاً و ابداً امام است. امامت از بین رفتنی نیست. خوشا به حال کسانی که او را بشناسند و وی بر حال آنها بی که حق آنها را نشناختند و یا شناختند و حقشان را گرفتند. امامت یک شأن بشری نیست که با همراهی نکردن مردم با

آنها چیزی از آنها کاسته شود. بنابراین رجوع ما همیشه باید به ولایت آنها باشد. عالم اسلام باید خود را احیا کند و شأن آنها را بشناسد. معرفت الهی در نزد آنهاست.

اگر ائمه(ع) به مقام امامت ظاهری رسیدند یا نرسیدند امامت باطنی آنها هیچ وقت زایل نمی شود، حضرت علی(ع) اگر به خلافت انتخاب می شد یا نمی شد شأن الهی او در ولایت محفوظ است و عندالله ازلاً و ابداً امام است؛ امامت از بین رفتنی نیست امامت یک شأن بشری نیست که با همراهی نکردن مردم چیزی از آن کاسته شود

***حضرت زهرا(ع) در هدایت خلق به سوی خداوند چه نقشی دارند؟**

حضرت رسول(ص) فرمودند: «أنا مدينة العلم و علی بابها» چون ائمه(ع) از نور واحد هستند پس همه آنها باب علم هستند. آنها نمونه اعلاي هدایت هستند. دین هم چیزی جز هدایت نیست. هدایت هم با ولایت الهی امکان پذیر است. بنابراین در اینجا شأن ائمه(ع) و أم الائمة(س) مشخص می شود. اهل سنت و خصوصاً عرفای آنها به اهل بیت(ع) بسیار احترام می گذارند. فقط وهابی ها جاهل به مقام اهل بیت(ع) هستند در صورتی که علم هدایت در نزد آنهاست.

گفتگو از: سیدحسین امامی